

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

مأموریت‌های بنیادی و کنش‌های حاشیوی

پس منظر تشکیل حکومت مؤقت، اما ریشه‌هایی توطئه که همه زیرآب نمی‌رود عملکرد اینچینی در مسیر حرکت کاروان صلح و چگونگی روی‌آ‌های ناپود شده

صحه گذاشتن برپای موافقتنامه ناقص و پیمودن مسیر مصالحه با هزینه خون کشور ضعیف، جوامع محلی قدرتمند و جنگ غیرقابل پیروزی عدم توجه به تعهدات و نبود توانایی نظارت مذاکره‌کننده‌ها اظهاراتی که بوی خودکامگی و خفقان از آن بمشام می‌رسد

همانگونه که هر جنگی منحصر بفرده می‌باشد، روند مصالحه و تلاش بمنظور پایان بخشیدن به منازعات مسلحانه و نایل گردیدن به توافق نیز منحصر بفرده محسوب می‌گردد. به‌هدف تأمین صلح از فورمول‌های از قبل تعیین شده و معادلاتی که تصویری گردد در شرایط مختلف میتواند کاربرد یکسان داشته باشد، نمی‌توان استفاده بعمل آورد. افراد و اشخاصی که در تلاش برای ایجاد و تحکیم صلح پایدار در افغانستان دخیل بوده‌اند، از این واقعیت آگاه می‌باشند. با تلاش برای جلب توجه افرادی که در عرصه تأمین صلح کار کنند، به عواملی که در برخی از کشورها صلح را تأمین نماید و در برخی دیگر ناکام ماند. ایجاد نقطه نظر و دیدگاه نسبی به روند مصالحه، می‌تواند انرژی جدیدی وارد تلاشها بمنظور شکل دادن و تداوم روند مصالحه در کشور ما کند. چرا روند صلح در کشور ما مهم پنداشته می‌شود. نیاز طرح این مسأله بویژه در شرایطی احساس می‌گردد که فضای سیاسی بین‌المللی در حال تغییر بوده و متحول می‌گردد. از جمله دشوارترین پرسش‌هایی که در رابطه به روند صلح در کشور ما وجود دارد، یکی هم اینست که دقیقاً چه زمانی جناح‌های درگیر آماده هستند، وارد روند مصالحه شوند. چگونه جناح‌های رقیب که هر کدام می‌خواهند برنده منازعه بوده و چگونگی و شرایط مصالحه را تعیین نماید، حاضر شوند یا یکدیگر وارد گفتگو شده و در مورد یک راه حل مذاکره کنند. جواب معمول باین سؤال این است که جناح‌های درگیر در یک جنگ داخلی، زمانی به گفتگو تمایل پیدا می‌نمایند که هر کدام خود را در موقعیتی ببینند که فقط منجر بادامه جنگ و وارد آوردن خسارات به‌دو طرف می‌شود.

مسأله مورد بحث کنونی را با این پرسش آغاز می‌نمایم که آیا با گذار قدرت از جمهوریخواهان به دموکرات‌ها درواشنگتن، نشانه‌هایی از تغییر و تحول ستراتیژی ایالات متحده و ناتو در قبال کشور عزیز ما متصور می‌باشد؟ مؤثریت تغییر یادشده بر چگونگی تداوم پروسه صلح آغاز شده بر چه منوالی پیشبینی می‌گردد؟ پرسش‌های یاد شده را یکی پس از دیگری بررسی خواهیم نمود.

در آغاز ماه دلو سال پار، منشی عمومی ناتو از "طالب"ها تقاضا بعمل آورد تا به قطع خشونت و بریدن از "القاعده" مبادرت ورزند. در همان روز "گروه مطالعاتی افغانستان" که بابتکار کارکنان گرس ایالات متحده تشکیل گردیده بود، پیشنهاداتی در مورد از سرگرفتن مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی قبلن آغاز شده و فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را با دادره جدید و اشنگتن مطرح نمود. پس از آن، وزیر امور خارجه کشور آلمان، ضمن تشریح موضع دولت کشورش، اعلام نمود که فراخواندن نظامیان کشورش باوضاع و چگونگی وضعیت در افغانستان و اطراف آن بستگی داشته و بر این بنیاد، تاریخ مشخصی را بمنظور امر فوق معین و مشخص ننمود. دفتر مطبوعاتی ناتو نیز توضیح داد که در آغاز ماه می سال روان به کاهش تعداد نظامیان در افغانستان مبادرت خواهد ورزید. اقدا ماتی بمنظور تعیین ستراتیژی جدید اداره باین در مورد کشور ما، اما بازگویی این حقیقت می‌باشد که ایالات متحده و ناتو از اصل برنامه ترامپ در مورد فراخواندن نظامیان خارجی از کشور ما الی آغاز ماه می سال روان،

پیروی نخواهند نمود. بر بنیاد تعاملات قبلی ایالات متحده با "طالب"ها در دوحه، بزودترین فرصت ممکن، باید مذاکرات و گفتگوها میان دولت افغانستان و "طالب"ها آغاز میگردد. اما پس از آنکه اداره جدید واشنگتن بر رهبری بایدن، اخباری را در مورد بازنگری توافقات حاصله با "طالب"ها به نشر سپرد، در مقابل مانند همیشه، "طالب"ها از تداوم مبارزه علیه اشغالگران خارجی خبر دادند. بگونه مثال اگر در اول امرو نخست، خروج نظامیان خارجی و پس از آن، وارد گردیدن "طالب"ها باصل مذاکرات و تداوم گفتگوها با دولت افغانستان مطرح گردید، اما در مرحله نخست، طرح ورود "طالب"ها به مذاکره با دولت افغانستان و پس از آن، فراخواندن نظامیان خارجی از اراضی کشور ما در میان گذاشته شد. بنظر کارشناسان، ایجاد تغییراتی در مجموعه ستراتیژی واشنگتن، بگونه قطعی بر عملکرد کشورهای آسیای میانه و حل و فصل معضلات با دول کشورهای همجوار نیز اثرگذار واقع خواهد گردید. در مورد آسیای میانه، بویژه پس از تغییر الگوی مذاکره با "طالب"ها بایست متذکر گردید که در امتداد سال های پسین، جمهوری های منطقه یادشده، بدرجات مختلفی با "طالب"ها روابط و مناسباتی داشتند. عشق آباد، آمادگی اش را بمنظور تدویر مذاکرات تحت نظر سازمان ملل اعلام نمود. تاشکند علاقمندی اش را در مورد کمک با آغاز مذاکرات و گفتگوهای دولت افغانستان و "طالب"ها ابراز داشت. آنها بر بنیاد منافع خودشان، خواهان ایجاد ثبات در افغانستان می باشند. چه، در مناطق یادشده و بویژه در محلات اطراف افغانستان، اردوگاه های تعلیم و تربیه و تجهیز گروه های رادیکال موقعیت داشته که بمنظور ایجاد دهشت و وحشت در کشورهای منطقه بکار گرفته می شوند. علاوه بر آن، گروه های دهشت افکن مانع اجرای عملی طرح های حیاتی و بزرگ از جمله مانع تطبیق برنامه تاپی و ایجاد خط آهن از ازبکستان با افغانستان گردیده و موانعی در مسیر وصل آن از طریق کشور ما به پاکستان و بحر هند، ایجاد می نمایند.

آیا این امکان موجود می باشد که بدون سهمگیری دهشتگران موجود، به تطبیق مؤفقاته برنامه تاپی نایل گردید؟ در پاسخ باید یادآور شد که بندرت بتوان بدون حل و فصل درگیری های کنونی در کشور، به تحقق برنامه های مطرح موجود امیدوار بود. اما قابل یادآوری می باشد که نبود صداقت در امر خروج قوت های مسلح خارجی، بخوی خود، حل و فصل قضایای یاد شده را با موانعی مواجه خواهد نمود. بسیاری از دول موجود، نحوه عملکرد هایشان را نه بر بنیاد حل و فصل قضایای موجود افغانستان، بلکه مطابق تقویم سیاسی تعیین شده خودشان تنظیم می نمایند. برای کشورهای منطقه، نبود و رفع تشنج در اراضی کشور ما از اهمیت منحصر بفردی برخوردار بوده تا به موجودیت گروه های تروریستی و دهشت افکن خاتمه بخشیده شود. برخی از گروه ها، سلاح و مهمات جنگی از کشورهای خارجی بدست می آورند. این را نیز نباید فراموش نمود که موجودیت و حضور نظامیان ناتو در کشور ما، بنحوی از انحا به محرک اضطراب مبدل شده و جنگ های نیابتی میان گروه های وفادار باین و یا آن کشور خارجی همچنان تداوم می یابد.

در غیر این صورت، پروسه ملاقات و گفتگو با "طالب"ها، پنداری بیش نخواهد بود. آنها تا مدتی قبل هم اصلن حا ضربه تقسیم قدرت با دیگران نبوده و اما ب فکر تصاحب کامل قدرت و خواهان تشکیل و ایجاد "امارت اسلامی" در کشور بودند.

اما بندرت بتوان تفاهم کشورهای منطقه را در قبال طرح یادشده فراهم نمود. اکنون در مجموعه ناتو نیز در مورد یادشده باید مجدد جهت گیری نمایند.

اما مسأله ای که به موضوع طرح های فراملتی و با شرکت و سهمگیری افغانستان ارتباط دارد، اصلن نمی توان بدون تصمیم "طالب"ها در مورد، با اقدام مقتضی متوسل گردید. با تطبیق عملی توافق و تعامل ترامپ با "طالب"ها افق امیدوار کننده ای را برای کشور ما اصلن بشارت نمی دهد. چه، شاهد بودیم که توافق و تعامل حاصله، سبب قطع خشونت و ختم درگیری های مسلحانه در کشور نگردید. اما در مورد کشورهای آسیای میانه باید افزود که چه در دوشنبه و چه در عشق آباد و بیشکیک می توانند براحتی بپذیرند که ایالات متحده به ترک ناگهانی و یکبارگی افغانستان متوسل نخواهد گردید. تماس ها و ارتباطات معینی با "طالب"ها در مراکز یادشده بگونه دوامداری صورت عملی بخود اختیار می نماید. اما با وجود اینهمه، بخوبی باین واقعیت معترف می باشند که قبل از تصمیم به منظور حصول توافقی با "طالب"ها، نخست باید به اسلام آباد سفر نموده و با قوماندانی نظامی و رهبری استخبارات پاکستان که بمثابة نماینده نویسان و طراحان اصلی برنامه ها و عملکردهای "طالب"ها بشمار می آیند، مسایل را در میان بگذارند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد هفته های پسین، مهمترین نکات برنامه صلح ایالات متحده بمنظور

حل و فصل درگیری های کشور واضح و آشکار گردید. نماینده ویژه ایالات متحده در جریان سفرش به کابل، طرح جزئیات برنامه یادشده را در خصوص پیشنهاد دولت مؤقت، تشکیل شورای عالی اسلامی و معرفی عده ای از "طالب" ها به پارلمان کشور را مطرح بحث قرارداد. علاوه بر آن، در امتداد دو هفته پیشرو در کشور ترکیه، آمادگی هایی بمنظور تدویر کنفرانس بین المللی تحت رهبری سازمان ملل در دست اجرا می باشد. پیشنهاد یادشده سبب واکنش هایی در کابل گردید. بویژه زمانی که نامه تهدید آمیز وزیر خارجه ایالات متحده از طریق وسایل اطلاعات جمعی به نشر رسید، در ارگ اعلام گردید که با طرح مورد نظر، اصلن سازش نخواهند نمود.

در مورد پیشنهاد ایجاد حکومت مؤقت در کشور باید علاوه نمود که در آغاز هفته پسین، نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، برنامه تشکیل حکومت مؤقت در هماهنگی با جمهوری اسلامی افغانستان، وارد کشور شد. در مورد برخی از جزئیات طرح یادشده برنامه متذکره، مطالبی از طریق وسایل اطلاعات جمعی به نشر رسید. طرح دولت انتقالی مسالمت آمیز افغانستان، حفظ سیستم سیاسی کنونی کشور را که شامل پارلمان نیز می شود، اما با تغییرات جزئی پیشبینی می نماید. بدین ترتیب، مطابق برنامه یادشده، قدرت اجرایی بر عهده رهبری دولت خواهد بود. پارلمان حفظ گردیده و تعدادی از نماینده ها از جانب "طالب" ها در آن معرفی خواهند گردید. قوه قضائیه توسط شورای عالی مستقل متکی بر فقه اسلامی و کمیسیون تدوین قانون اساسی جدید آغاز بکار خواهد نمود. اما قانون اساسی حاضر در کشور در تمامی مدت زمان کار دولت انتقالی الی تدوین اسناد جدید، در کشور نافذ خواهد بود. چنین پیشبینی می گردد که قوانین جدید در تأمین امنیت برای تمامی شهروندان کشور، بدون در نظر داشت وابستگی و تعلق نژادی، قومی و منطقه ای و در امر دفاع از حقوق زنان و اطفال کشور ممد واقع گردد. در مطابقت با طرح یادشده، شورای عالی فقه اسلامی دارای ۵ تن خواهد بود که هفت تن از آنها از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان، هفت تن از جانب "طالب" ها و یک تن هم از جانب رئیس جمهور کشور تعیین خواهند گردید. مطابق وضاحت ارائه شده توسط عده ای از دست اندرکاران و کارشناسان، وظیفه شورا را بررسی قوا نین موجود در مطابقت با هنجارهای اسلامی تشکیل می دهد.

انتظار می رود پس از ایجاد و تشکیل حکومت مؤقت (طرح "دولت انتقالی صلح برای افغانستان")، حاکمیت جدید و بعدی در نتیجه برگزاری انتخابات برگزیده شود. قابل یادمانی پنداشته می شود که در جریان ملاقات ها و انجام مشوره های نماینده ویژه ایالات متحده با رهبران سیاسی و شخصیت های مطرح کشور ما، از آنها مطالبه نمود تا طرح اخیر ایالات متحده را بررسی نموده و پیشنهادها و نظریات شان را در مورد مطرح نمایند.

بدین ترتیب، عده ای هم چنین یادآور میشوند که برنامه یادشده نهایی نبوده و اما اداره و اشنگتن در تطبیق عملی طرح یادشده اش عجله دارد و اما بسیاریها باین باورند که طرح یادشده باید مورد بازنگری کلی قرار داده شود. اما ایالات متحده اصرار می ورزد که زمان اندکی در اختیار داشته و در صدد آن می باشند تا طرح مورد نظر، در امتداد زمان تعیین شده در زمینه عمل تطبیق گردیده و نظامیان شان را از افغانستان فراخوانند.

برخی از نماینده های پارلمان کشور که با نماینده ویژه ایالات متحده ملاقات نمودند، چنین ادعا می نمایند که در برنامه مورد نظر، از استعفای غنی نیز تذکر بعمل آمده است. همچنان مطابق اظهارات آنها، برنامه متضمن استعفای غنی و واگذاری قدرت می باشد. برای چنین امر، دلایل متعددی نیز موجود می باشد. موضوع فوق را هم پارلمان می خواهد، هم جهان و هم "طالب" ها و به یقین کامل که شهروندان کشور نیز از چنین امری پشتیبانی بعمل می آورند.

تا آنجا که می توان از نظرات پراگنده سیاستمداران قضاوت نمود، برنامه یادشده متضمن سیستم سیاسی بوده که بگونه عامی، اثربخشی احزاب و جریان های مختلف را تضمین نموده و بگونه طبیعی، مؤثریت و تأثیرگذاری غنی را بر پروسه یادشده ضعیف خواهد نمود.

موضوع حکومت مؤقت و دستگاههای سیاسی جدید، بویژه در مراسم ۲۶- مین سال یادبود مرگ عبدالعلی مزاری زمزمه گردید. اما بسیاریها چنین می پندارند که پروسه مصالحه و روند آشتی در کشور، از نقطه نظر شکل ممکن دستخوش تحول گردیده، اما در مجموع، از تحریک بیشتری نیز برخوردار خواهد گردید. نباید فراموش خا طر ما گردد که قالب و فورم پروسه حاضر مصالحه میان طرف های مطرح نیز باید متغیر گردد. این واقعیت، به گونه کلی انکار ناپذیر انگاشته میشود که دولت افغانستان یک نهاد رسمی کشور بوده و بدون شرکت و سهمگیری آن، دستیابی به صلح در کشور ناممکن بنظر می رسد. همچنان، "طالب" ها در جانب مقابل وجود دارند که بدون حضور آنها نیز دستیابی به صلح و مصالحه غیر قابل تصور پنداشته می شود. اما فاکتور سومی که بگونه جدی

باید در نظر گرفته شود، عبارت از نقطه نظر و دیدگاه شهروندان کشور در زمینه می باشد. در این میان سروردانش معاون دوم ریاست جمهوری کشوری سخرانی اظهار نمود که برنامه ایجاد حکومت موقت در افغانستان به مفهوم سقوط گل سیستم درکشورتلقی می گردد. اما اصل رأی شهروندان کشور، بهینه ترین گزینه بمنظور تعریف آینده و دورنمای کشور پنداشته می شود. هیچ برنامه ای در خارج از محدوده دولت افغانستان که بمثابة ضدیت با منافع ملی کشور شمرده می شود، نباید مورد بحث قرار داده شود. علاوه بر آن، هرگونه برنامه ای باید بر مبنای دفاع از سیستم سیاسی و قانون اساسی کشور بوده و فروپاشی سیستم و الغای قانون اساسی در آن متصور نباشد.

اشرف غنی، برنامه یادشده را محصول "تخیلات خلیل زاد" نامید. اما پرسش هایی در مورد واکنش نامبرده در قبال برنامه فوق موجود می باشد. قبل از آن، اشرف غنی هر نوع اقدامی را که متضمن استعفای کابینه کنونی کشور باشد، مورد تردید قرار داده است. قبل بر این، زمانی که نماینده ویژه ایالات متحده به کابل پرواز نمود، غنی از ملاقات با نامبرده خودداری ورزید. بسیاری ها دلیل این امر را در تمایل به بحث در مورد ایده ایجاد و تشکیل دولت انتقالی محسوب نمودند.

اما اینبار اشرف غنی، مستقیم خلیل زاد را مخاطب قرار داد. در چنین وضعیتی، ناظران بگونه غیر مستقیم از نرم شدن مواضع غنی خبر دادند. اما بخاطر داریم که مدتی قبل، مارشال دوستم اظهار نمود که ممکن غنی با تشکیل حکومت موقت در صورت حفظ تمامی نهادهای موجود در کشور، راضی گردد. اما پس از ملاقات غنی با خلیل زاد، حمدالله محب اظهار نمود که دولت افغانستان، گزینه های متعدد و گوناگون تأمین صلح در کشور را در نظر دارد. اظهارات یادشده مربوط می شود به اوایل ماه حوت سال روان که میشود آنرا بمثابة نرم شدن موضعگیری دولت محسوب نمود. اما بایست خاطر نشان نمود که طرح هر نوع گزینه مصالحه باید تضمین جانب "طالب"ها و جامعه بین المللی را نیز با خود داشته باشد. هرگونه برنامه و یا گزینه سیاسی کنونی باید ایجاد صلح واقعی در اراضی کشور ما را ضمانت نماید.

اما اشرف غنی در مراسم افتتاح اجلاس اخیر پارلمان کشور، بگونه مجدد یادآور شد که تعویض قدرت در کشور، تنها و تنها از طریق انتخابات ممکن بوده و نه از طریق دیگر. نامبرده افزود به کسانی که بمنظور نایل گردیدن ب قدرت، دروازه های متعددی را می کوبند، اعلام می نمایم که بمنظور نایل گردیدن ب قدرت فقط و فقط یک راه وجود دارد و آن عبارت از انتخابات آزاد میباشد. نامبرده همچنان بگونه غیر مستقیم به پیشنهاد های نماینده ایالات متحده در امور کشور ما اشاره نموده گفت که هر شخصی حق دارد تا "تخیلات و آرزوهایش" را روی کاغذ بنویسد. چه، چنین امری قبلاً نیز اتفاق افتاده، در وضعیت کنونی نیز صورت گرفته و در آینده نیز همچنان تکرار خواهد شد. همچنان وی متذکر گردید که ما دارای وثیقه سیاسی می باشیم، یعنی کشور ما اکنون از قانون اساسی مدرن برخوردار می باشد. غنی تأکید بعمل آورد که اداره آینده کشور، مطابق احکام قانون اساسی کشور ما تشکیل خواهد شد، نه مطابق برنامه های تدوین شده توسط "دیگران". وی ادامه داده افزود که هیچ فرد و هیچ مقامی نمی تواند بانحلال نهادهای رسمی دولتی مندرج در قانون اساسی کشور مبادرت ورزد. وی در چنین وضعیتی، آمادگی و تمایلش را بمنظور بحث و گفتگو پیرامون انجام انتخابات شفاف و فراگیر تحت نظارت جامعه جهانی اعلام نمود.

با صراحت باید اظهار نمود که افغان ها صلح می خواهند و نه "آرامش و سکون در گورستان". اما نباید فراموش خاطر ما گردد که دستیابی به صلح و آرامش در سرزمین و اراضی کشور ما امکان پذیر می باشد، صلحی که به کاهش و قطع خشونت و تأمین ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیانجامد، به یقین که دستیابی بآن به قربانی ضرورت دارد، اما این قربانی نباید بمفهوم از دست دادن دستاوردهای دودهه پسین در کشور باشد. تمامی منافع شخصی و منحصر بفرد گروهی، باید در خدمت منافع شهروندان کشور قرار داده شود.

بر بنیاد محاسبه های متعددی، برنامه متذکره متضمن از بین بردن زیر ساخت های "طالب"ها در کشورهای همجو ار افغانستان و از جمله در پاکستان و انتقال آنها به قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. ناظران امور چنین ابراز نظری نمایند که اگر "طالب"ها به شرایط طرح شده موافقت نمایند، اما اکثریت قریب بنام "طالب"ها، چنین وضعیتی را بمثابة تسلیمی بدون قید و شرط پنداشته و پذیرش آنرا غیر قابل قبول می شمارند.

یکشنبه ۲۴ ماه حوت سال ۱۳۹۹ خورشیدی